



طرح: علی مفردی، نگاه تازه



ادبیات!



یادداشت

یادداشت‌های براس مفسرین تمام کتابخانه‌ها

این یک یادداشت است. یادداشتی که من نوشته‌ام. تنها در طول چند دقیقه! اما بی‌تردید مدت کم نگارش این بی‌شک شناختی شده است. بی‌هیچ عیب و نقص، مثل نورشید می‌درخشید. متأسفانه در آثار تمام گذشتگان مورد محاسبی مشاهده نشده است. شاید سایر نویسندگان صوفی و خروشی سرانداشته‌اند البتہ من اهل تعریف از خود نیستم و استفاده از قلم و این‌ها بی‌انحصاری نیست. ویژه‌ام خلط می‌دانم اما وقتی می‌بینم به ارزش کار بی‌نظیر و شعور خوانندگان ممکن است بی‌توجهی نشود. دل می‌سوزد و نمی‌توانم سکوت کنم. بعضی نباید سکوت کنم چون این یادداشت حقیقتاً استثنای است. اصلاً باید آن را براس تمام سران دنیا و بینندگان جایزه‌نویان ادبیات فرستاد تا بداند در رات یک‌تا زنی در محصلی قلم دیگر تمام شده است و امیرالطوری خیالی نشان روی سوسن فریادش پیش می‌رود یا کم آن را در کتاب‌های درسی گذاشتند. آینه‌ها سازان نغمه‌ها نوشتن با عزت را بیاموزند. البته من عاقبتی نرسنگ را به خویش می‌شناسم و می‌دانم چه موافقی می‌توانند بر سر راهم ایجا دهند. آنان مدیرمسئول‌ها نظران و داوران را نقد فشار شدیدی خواهند گذاشت اما بعد از چلپ این یادداشت نمره بیست به بار می‌شود خوانندگان چنان مورد مهر و نوازش قرارشان می‌دهم که تا مدت‌ها راه خانه‌شان را کم کنند. ولی علی‌الغالب لازم است درج کنم چندین پیش‌یک با باین از طرف یکی از همین رؤسا و کلمه‌کننده‌ها که گفتیم وقتی قلمی چه قصدی دارم آمد در گفت فلانی، این مبلغ را بگیر و بنویس! لاکن همان علوی که می‌بینید سر سوزن عقب نشستم...

من خدمت گذار و نوکر خوانندگان ام و تا زده هستم از این یادداشت‌ها می‌سازد خواهی نوشت.

آنان که چه یک بار مرا تصادفاً آنتخاب کرده‌اند اما من بعد دست از سرم بر نخواهد داشت.

من نیز با محال مدخل در خواست‌ها قانونی و حقوق مسلم‌شان احترام می‌گذارم.